



در کوچه‌های خلوت مرادآباد نسیمی به نرمی می‌وزد و نوارهای کاغذی که رمال‌ها و طالع‌بین‌ها با خطوط کج و معوج در باطل کردن طلسم هجوم سگ‌های هار و جادوی چشم‌های بدشگون برشاخه‌های درختان آویخته‌اند، رقصان و پیچان درباد می‌رقصند. تا عصر هفتمین روزی که از هجوم سگ‌های وحشی خبری نبود، مردم آبادی در این مدت، کم‌کم خطر چنین یورش‌هایی را از یاد می‌بردند و پیر و جوان با آرامش خاطر در رفت و آمد بودند. در میدان بزرگ بیچه‌ها سرخوشانه، شوق بازی داشتند، پسرک‌ها در پی هم می‌دویدند و دختر بیچه‌ها، لی‌لی کنان از میان مربع‌های خط کشی شده می‌پریدند و گرگم به‌هوا بازی می‌کردند. دسته‌ای از زنان هم در حاشیه میدان، بساط کوچه نشینی‌شان بر سر یک گذر را جمع‌وجور می‌کردند، گوشه چادر نمازشان را به نیش دندان می‌گرفتند تا خشنود از غیبت و بهتان و بدگویی و نصیحت، به خانه‌ها برگردند و شتابزده بروند تا آنچه برای شام شب بار گذاشته‌اند، روی اجاق ته نگیرد. میدان اصلی مرادآباد داشت خلوت می‌شد، پسر جوانی با رقصاندن چوب مخصوص چوپانی، گله کوچکی از گوسفندان را که از چرای روزانه‌شان بر می‌گشتند به آغل بر می‌گرداند و با سوتی که زبان مشترک او و گله‌اش بود، به گوسفندان ناکید می‌کرد که در گذر از میدان شتاب کنند و در این شتاب سینه‌های پرشیر و ورم کرده شان زیر شکه‌ها تاب می‌خورد و این برده‌های کوچک بودند که سراسیمه می‌دویدند تا از مادران جدا نیفتند. خورشید همچون سینی گداخته به‌رنگ نارنجی، در خط افق شعله‌ور، در آب های موج فرو می‌رفت و آخرین انوار گل‌رنگش را که انگار کله پاره‌های حریر دامن نوغروس بر فراز شاخ و برگ درختان بلند گیر کرده است، بر می‌چید. چشم تنگ غروب داشت هم می‌آمد و سایه‌ها از بلندی‌هایی چون مناره‌ها و گلدسته‌های مسجد روی زمین چنان کش می‌آمدند تا محو شوند. در این هنگام، کم‌کم از فاصله‌ای نه چندان دور، صدای همه‌مه مردمی هراسان به گوش می‌رسید که داشت اوج می‌گرفت و در این میان فریادهای وحشت زده زنانی بر می‌خاست و رفته‌رفته این فریادها دامنه گسترده‌تری پیدا می‌کرد. آنهایی که در میدان بزرگ آبادی در رفت و آمد بودند، می‌دیدند زن‌ها و مردهایی از خانه‌ها به روی پام‌ها می‌دوند و با نگاه‌هایی چوینده و پراسان، وحشت زده به کوچای اشاره می‌کنند که به میدان بزرگ می‌رسد: - آری... سگ‌ها هجوم آورده‌اند، دارند به طرف میدان حمله می‌کنند. در میدان، مردم هراسان و سر در گم به جنب‌وجوش می‌افتند تا پیش از رسیدن گله سگ‌های وحشی به خانه‌ها یا به کوچه‌های اطراف پناه ببرند. گاه زن و مرد به پسر بیچه‌ها یا دختر خردسالی که می‌رسند، آنها را از زیر دست و پا می‌قاپند و در آغوش می‌گیرند تا این کودکان وحشت زده و گریان را به محل امنی برسانند.

برخی از ساکنان خانه‌ها در اطراف میدان درهای ورودی را می‌گشایند تا هرچه بیشتر به فراری‌ها پناه بدهند. زن‌ها و دخترانی که در پای درخت پیر حاجت پای بساط دعا نویس‌ها و رمال‌های دورگرد به بخت‌نشایی و گرفتن دعایی برای جلب عشق و مهر شوهران نشسته بودند هراسان پراکنده می‌شدند و به کادها پناه می‌برند. در این فضای پر وحشت، این گوسفندان و بره‌های رها شده بودند که با فرار چوپان نوجوان درمیدان سرگردان مانده بودند و با بوی سگ‌های وحشی، پریشان و سرگشته به هر طرف می‌دویدند و بره‌های شیرخوارشان را به دنبال خود می‌کشیدند تا راه فراری بجویند. در این گیر و دار، سگ‌ها زوزه‌کشان در حالی که دندان‌هایشان حریصانه نمایان بود و از گوشه لب‌های‌شان آب دهان لزجی سرازیر شده بود، از کوچه به میدان ریختند با بوی اشتها آور گوسفندان که تحریک‌شان کرده بود، به‌طور گله پریشان و وحشت زده هجوم بردند و شروع به دریدن آنها کردند. هر سگی که با نیش دندان‌هایش بره ناتوانی را از جمع گله بیرون می‌کشید چند سگ به طرفش هجوم می‌آوردند و جدال خونینی آغاز می‌شد. گوسفندها که چشم‌های‌شان از درد یا وحشت ورم کرده بود به هر طرف می‌دویدند تا راه نجاتی پیدا کنند...

همسریابی تर्फند جدید کلاهبردان در فضلی مجازی

گروه حوادث/ همسریابی، خرید و فروش کالا یا داروهای کمیاب و غیرمجاز یا ارائه خدمات خاص در فضای مجازی از ترفندهای کلاهبرداران و مجرمان برای سوءاستفاده از کاربران شبکه‌های اجتماعی است که با این تبلیغات مردم را سرکشی‌ه یا از دختران و پسران جوان سوءاستفاده می‌کنند. این موارد دمه‌ها مورد کلاهبرداری و اخاذی و سرکشی‌ه در این فضای پرمخاطب رخ می‌دهد باعث شده که آمار پرونده‌های قضایی که برای رسیدگی به پلیس فتا فرستاده می‌شود رشد چشمگیری پیدا کند. به همین منظور معاون اجتماعی پلیس فتا ناجیه شهروندان هشدار داد هنگام استفاده از فضای مجازی اطلاعات و آگاهی خود را بالا ببرید تا در دام کلاهبرداران و مجرمان نیفتید. سرهنگ رامین پاشایی در این باره گفت: برخی افراد با راه‌اندازی سایت‌ها و صفحات متعدد در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های غیربومی تحت عنوان «همسریابی و صیغه یابی» از متقاضیان اخاذی و کلاهبرداری مالی می‌کنند. لازم به یادآوری است که تاکنون هیچ گونه مجوزی از سوی نهادهای مرتبط از جمله وزارت ورزش و جوانان برای فعالیت سایت‌های مجاز همسریابی در کشور صادر نشده است و فقط چند سایت و مؤسسه، مجوز ارائه خدمات مشاوره‌ای در خصوص همسریابی، هسمان‌گزینی و سایر خدمات مشاوره‌ای را دارند. معاون اجتماعی پلیس فتا ناجا درباره نحوه فعالیت این سایت‌ها گفت: آنها معمولاً به دو روش کلاهبرداری می‌کنند، در نوع اول ضمن تبلیغات دروغین با فریب متقاضیان و دریافت مبلغ مختلف از طعمه‌های خود کلاهبرداری مالی می‌کنند و هیچ گونه خدمات خاصی به آنان ارائه نمی‌دهند. در نوع دوم که به شکل گروهی و با کمک چند زن و مرد انجام می‌شود با اغفال متقاضیان و جلب اعتماد آنان، پس از تهیه و دریافت تصویر خصوصی و شخصی قربانیان، با تهدید به افشا و انتشار تصاویر آنان بحت اخاذی مالی و سایر سوءاستفاده‌های دیگر را نیز مطرح می‌کنند. البته با رصد فضای مجازی و دریافت شکایت و گزارش‌های متعدد مردمی برای برخورد با این سایت‌ها و افراد سودجو که امنیت کاربران و خانواده‌ها را در فضای مجازی تهدید می‌کنند، تاکنون ضمن اقدامات پیش‌دستانه و شناسایی مجرمان در این حوزه با هماهنگی مقام قضایی تعدادی از این افراد مجرم دستگیر و تحویل مراجع قضایی شده‌اند. معاون اجتماعی پلیس فتا گفت: با توجه به آسیب‌های روحی و روانی ارتباطات فضای مجازی که می‌تواند تهدید کننده امنیت کاربران باشد، آنها نباید به هیچ عنوان فریب وعده‌های دروغین افراد ناشناس در فضای مجازی را بخورند، چرا که می‌توانند با هویت جعلی و دروغین مخاطرات زیادی برای فرد و خانواده او ایجاد کنند. سرهنگ پاشایی برطرف کردن خلأهای قانونی و مشخص شدن زمینه‌های ارائه خدمات از سوی مراکز مجازی را یکی از نیازهای لازم و ضروری ارائه خدمات قانونی در فضای مجازی برشمرد و تصریح کرد: در نبود ساز و کارهای قانونی، فرصت مناسبی برای جولان افراد سودجو و کلاهبردار که گاهی اوقات با جعل نام و عنوان مراکز مذهبی، فرهنگی و سایر شخصیت‌های شناخته شده مبادرت به کلاهبرداری می‌کنند، فراهم شده است.

- یکشنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۹
- سال بیست و ششم
- شماره ۷۴۶۰

شوهر قاتل بالای چوبه دار



گروه حوادث/ **مرد معتاد به خاطر اینکه نمی‌توانست مهریه همسرش را بدهد او را به قتل رساند اما خودش نیز پس از سال ۳ به دار مجازات آویخته شد.**

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ماجرای این جنایت از صبح یکشنبه ۲۸ آذر سال ۹۵ رقم خورد. وقتی ساکنان ساختمانی در غرب پایتخت متوجه سر و صدا و درگیری زوج همسایه شدند از خانه‌هایشان بیرون دویدند اما ناگهان با پیکر خونین زن جوان که ساکن واحد شماره ۳ بود در راهرو رو به رو شدند.

مرد خیاط زنش را کور کرد

گروه حوادث/ **مرد خیاط در جریان درگیری باهمسرش به‌خاطر ضربه‌هایی که به سر وی وارد کرده بود به‌دلیل ناپیایی یکی از چشم‌های زن جوان شد.** به‌گزارش خبرنگار حوادث«ایران»، رسیدگی به این پرونده از یک سال و نیم قبل و به‌دنبال مراجعه زن جوانی به دادسرای البرز آغاز شد. مر ضربه که یکی از چشم‌هایش را بسته بود به بازپرس گفت: شوهرم با ضربه‌هایی که به سرم وارد کرده باعث کوری چشم چپم شده است حالا به اینجا آمدم تا از او شکایت کنم.

وقتی زن جوان به پزشکی قانونی فرستاده شد نتیجه بررسی‌ها نشان می‌داد علت ناپیایی چشم مرضیه ضربه محکم به ناحیه چپ سر و در نهایت عفونت درونی چشم و ناپیایی شده است.

پس از طرح شکایت، شوهرش به نام سیروس به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی بازداشت شد و صبح دیروز در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز به ریاست قاضی قیومی تحت محاکمه قرار گرفت. در ابتدای جلسه رئیس دادگاه مثن کفرخواست را بیان کرد. سپس شاکي در جایگاه ایستاد و با طرح شکایت به داد‌رسان دادگاه گفت: من ۱۴ سال قبل با این مرد که خیاط است ازدواج کردم دراین مدت با هم اختلافات زیادی داشتیم و او بارها مرا کتک زده بود. گاهی سرم می‌شکست گاهی چشم‌ام کبود می‌شد او بشدت بد اخلاق و عصبانی است روز



حادثه هم دوباره مشاجره کردیم او خیلی عصبانی بود و به من حمله کرد و با مشت و لگد به جانم افتاد. از آن روز به بعد من بشدت سردرد داشتم تا اینکه چشم‌ام‌ن تا شد وقتی نزد پزشک رفتم آنجا به من گفتند به‌خاطر پارگی برخی رگ‌های داخلی چشم چپم عفونت کرده و باید چشم را تخلیه کنند.... پس از آن شکایت کردم و حالا از قضات دادگاه می‌خواهم که او را قصاص کنند.

پس از پایان اظهارات شاکي متهم به دستور

به‌دم اما مهریه‌اش ۱۳۶۰ سکه طلا بود و من نمی‌توانستم مهریه‌اش را بدهم به همین خاطر به زندگی ادامه دادم تا اینکه روز حادثه ساعت ۷ صبح دوباره شروع به اعتراض کرد که چرا سرکار نمی‌روم مدام می‌گفت برو از خانه بیرون و من که دیگر تحمل حرف‌هایش را نداشتم با او درگیر شدم می‌خواستم با چاقو او را بزنم که از خانه خارج شد.من هم دنبالش کردم و در راهرو او را زدم.

با اعتراف مرد جوان به جنایت او به بازسازی صحنه قتل پرداخت و پرونده برای صدور حکم به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. متهم جوان در دادگاه به دفاع از خود پرداخت اما بانوجه به درخواست اولیای دم برای قصاص، اعترافات او به قتل، بازسازی صحنه جنایت، اظهارات شاهدان و مدارک موجود در صحنه، قضات دادگاه کیفری او را به قصاص محکوم کردند.

با تأیید این حکم از سوی قضات دیوانعالی کشور، مرد همسرکش سرگاه چهارشنبه گذشته در زندان رجایی شهر به دار مجازات آویخته و پرونده این جنایت با مرگ وی بسته شد.

نگاه کارشناسی

قاضی محمد قیومی

اختلافات خانوادگی بین همه زوج‌ها کم و بیش وجود دارد اما آنچه که بسیار قابل توجه است نحوه برخورد با این مشکلات است. اختلاف سلیقه نباید باعث درگیری و حتی مشاجره شود باید با آن عاقلانه برخورد کرد رفتارهای احساسی که غالباً با خشونت همراه است نتایج حیران‌ناپذیری را به همراه دارد. اگر توانایی کنترل خشم خود را نداریم باید این موضوع را جدی بگیریم و با استفاده از راهنمایی‌های یک مشاور این امر مهم را یاد بگیریم.

کنترل خشم نه تنها در خانواده بلکه در جامعه نیز بسیار مهم است بخش اعظم پرونده‌های قتل ناشی از ناتوانی در کنترل خشم است که نیاز به مهارت و کنترل دارد.

رئیس دادگاه پشت میز محاکمه ایستاد و درباره اتهام اش به قضات دادگاه گفت: من قبول دارم که باعث ناپیایی چشم همسرم شدم و حالا بشدت پشیمانم من رفتارهای بدی داشتم وقتی عصبانی می‌شدم رفتارم دست خودم نبود اما آقای قاضی من همسر را دوست دارم حاضرم یکی از چشم‌هایم را بکنم تا او را ببینم و با او برخورد کنم.... پس از آن شکایت کردم و حالا از قضات دادگاه می‌خواهم که او را قصاص کنند.

حکم وارد شور شدند.

گروه حوادث/ هیجان و تفریح انگیزه مرد جوانی بود که به همسنتی دوستش خودروی تپیا را سرقت کرده بود. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ششم مهر، مرد جوانی هراسان و زخمی به یکی از کلانتری‌های پایتخت رفت، او که بسیار ترسیده بود و حال خوبی نداشت، از سرقت خودرویش توسط دوزرگیر خبر داد و گفت: با خودروام مسافرتی

می‌کنم. در میدان آزادی دو مرد جوان را که می‌خواستند به شهریار بروند دریستی سوار کردم، یکی از آنها روی صندلی جلو دومی پشت سرم روی صندلی عقب نشست. هنوز مسافتی نرفته بودم که ناگهان مسافر جوانی که روی صندلی عقب بود چاقویی روی پهلویم گذاشت. به ناچار مجبور شدم در کنار بزرگراه توقف کنم، آنها مرا بشدت کتک زدند و تهدید کردند که اگر هرچه پول نقد دارم به آنها ندهم زنده نخواهم ماند. حتی ۲۰۰ هزار تومانی را که همراهم بود سرقت کرده و بعد هم از ماشین مرا به بیرون انداخته و خودروام را سرقت کردند. با کمک آتندبه‌های عبوری خودم را به کلانتری رساندم.

■ **تعقیب و گریز**

با شکایت مرد جوان به نام امیر تحقیقات برای دستگیری مردان سارق به دستور بازپرس ایرد موسی از شعبه پنجم دادسرای امور جنایی پایتخت آغاز شد. شماره پلاک خودروی مرد جوان به تمامی واحدهای گشت اعلام شد و سه روز بعد از این سرقت جنجالی، مأموران حین گشت به خودروی تیپایی با یک سرنشین مشکوک شدند. در استعلام شماره پلاک خودروی تپیا مشخص شد سرقتی است مأموران دستور ایست دادند اما راننده بدون توجه به هشدارهای پلیسی اقدام به فرار کرد. بدین ترتیب تعقیب و گریز آغاز شد. مأموران چندین بار به تپیا سوار دستور ایست داده و درنهایت لاستیک‌های ماشین را نشانه گرفتند. با اینکه لاستیک‌ها مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود اما سارق تپیا به فرارش ادامه داد و با چندین خودروی عبوری تصادف کرده و درنهایت تعادل خودرو را از

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

ایران

متهم قبل از دستگیری اسید خورد

گروه حوادث/ **مرد** جوان که به دنبال مشاجره شدید با همسرش او را به قتل رسانده و فرار کرده بود وقتی خود را در دام پلیس دید با خوردن اسید قصد خودکشی داشت. سرهنگ کارآگاه جعفر رحمتی، رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان زنجان در تشریح این خبر گفت: رسیدگی به این قتل از هفته گذشته با کشف جسد زنی ۳۹ ساله در یکی از محله‌های خیابان فرودگاه زنجان آغاز شد.

بعد از اینکه مشخص شد این زن به دست شوهرش خفه شده است، ردیابی‌ها برای دستگیری مرد جوان آغاز شد و کارآگاهان دریافتند قاتل در یک مغازه مخفی شده است؛ اما وقتی برای دستگیری او راهی محل شدند، متهم که پلیس را در یک قدمی خود می‌دید با خوردن اسید اقدام به خودکشی کرد، با این حال مأموران با دستگیری قاتل بلافاصله پس از اطلاع از خوردن اسید وی را برای درمان به بیمارستان منتقل کردند که با اقدامات بموقع پزشکان از مرگ حتمی نجات یافت و هم اکنون تحت درمان و مراقبت است و حال عمومی وی رضایتبخش اعلام شده است.

سرهنگ رحمتی با تأکید بر اینکه متهم به قتل همسرش اعتراف کرده است، سن قاتل و مقتول را ۳۹سال اعلام و اظهار کرد: پلیس در تحقیقات خود پی برد که این زوج جوان همواره خشونت کلامی و مشاجره لفظی با یکدیگر داشتند و این موضوع همیشه به سمت خشونت فیزیکی کشیده که این بار به قتل همسر بر اثر خفگی منجر شده است.

بازداشت

مأموران قابلی مبارزه با کرونا

گروه حوادث/ مردان تبهکار که با عنوان مأمور مبارزه با کرونا و به بهانه ضد عفونی کردن وارد خانه‌های مردم شده و اموال آنان را سرقت می‌کردند از سوی پلیس دستگیر شدند. سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، معاون جرایم جنایی پلیس آگاهی در این باره گفت: اسفند سال گذشته و همزمان با آغاز بیماری کرونا چهار نفر تحت پوشش انجمن‌های مردم‌باری و به بهانه سم‌پاشی و ضد عفونی کردن برای مقابله با ویروس کرونا به خانه‌ای در غرب تهران رفتند و سپس با تهدید سلاح کمری و سلاح سرد، با بستن دست و پای اهالی ساختمان اقدام به سرقت مسلحانه و ربودن طلا و پول‌های نقد از مالباختگان به ارزش تقریبی شده صد و پنجاه میلیون تومان و خودرو سواری پژو پارس متعلق به صاحبخانه کردند. وی ادامه داد: تیمی از کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی در صحنه حاضر شد و پس از تحقیقات میدانی و بازبینی تصاویر دوربین‌های مداربسته مستقر در مسیر ورود و خروج سارقان چهار جوان را دیدند که در حوالی خانه پرسه می‌زدند و سپس سوار بر یک دستگاه خودرو سواری تپیا محل را ترک کردند. بنابراین به عنوان قوی‌ترین فرضیه پلیسی با بهره‌گیری از امکانات نوین مخابراتی و اقدام‌های پلیسی شناسایی و دستگیری متهمان در دستور کار قرار گرفت که در نهایت با چهار عملیات پلیسی منسجم و همزمان هر چهار متهم در محدوده پیکان شهر و مسعودیه شناسایی و دستگیر شدند. در بازرسی از خانه متهمان یک قبضه سلاح غیرواقی طرح لا‌ما، مقادیری قطعات لوازم خودرو که احتمالاً مسروقه بودند و مقادیری از طلاهای مالباختگان به ارزش تقریباً پنجاه میلیون تومان و خودرو سواری پژو پارس مسروقه کشف و ضبط شد. این مقام انتظامی افزود: در ادامه رسیدگی، برای دستگیری سایر همدستان احتمالی، با اقدامات فنی و تعقیب، یک متهم دیگر که متواری شده بود نیز مورد رصد اطلاعاتی قرار گرفت، که با ایجاد یک قرار صوری، در نهایت وی نیز در خیابان وحدت اسلامی دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شد و به طرح‌ریزی سرقت و مشارکت در جرم اعتراف کرد. معاون جرایم جنایی پلیس آگاهی خاطرنشان کرد: تحقیقات پلیسی برای شناسایی و کشف دیگر جرایم ارتكابی احتمالی و دستگیری سایر متهمان ادامه دارد.

وسوسه سرقت

توبه سارق را شکست

دست داده و وارد پیاده رو شد. بدین ترتیب سارق دستگیر شد و به سرقت با همسدتی یکی از دوستانش اعتراف کرد.

■ **گفت‌وگو با متهم**

چرا خودرو را سرقت کردید؟ برای هیجان و تفریح. البته این ایده من نبود، دوست جدیدم که سابقه کارهای خلاف دارد این ایده را مطرح کرد.

با او چطور آشنا شدی؟ چند روز قبل برای هواخوری به یکی از پارک‌های جنوب تهران رفتم. آنجا با پرهام که سارق سابقه‌دار بود آشنا شدم و پیشنهاد داد که خودرو سرقت کنیم و در خیابان‌های پایتخت پرسه بزنیم. می‌گفت با خودروهای سرقتی در خیابان‌ها می‌گردیم و تفریح می‌کنیم و چون ماشین‌های خودمان نیست اگر هم جریمه شویم اتفاقی نمی‌افتد. از پیشنهادش بدم نیامد و تصمیم گرفت با او در سرقت خودرو شریک شوم.

سابقه داری؟ سال ۹۴ به خاطر سرقت خودرو به زندان افتادم و ۶ ماه حبس کشیدم. اما بعد از آن دور خلاف را خط کشیدم و در یک شرکت بیمه مشغول به کار بودم. دلم نمی‌خواست کار خلاف انجام دهم اما وسوسه‌های رفیق جدید باعث شد تا توبه‌ام را بشکنم.

بعد از سرقت چه کردید؟ سه روز ماشین دست دوستم بود و روز حادثه به من داد تا من هم کمی با آن تفریح کنم که دستگیر شدم.